**خیام و غزالی**

**سروشیار، جمشید**

امام محمّد غزّالی در کتاب«المنقذ من الضلال»،آنجا که از کیفیّت تحصیل‏ خویش در فلسفه سخن می‏دارد،می‏گوید:«...در همان وقت که در بغداد سیصد تن طالبان پیش من تحصیل می‏کردند و مشغول تدریس و تصنیف بودم،ایّام فراغت‏ را بدون استاد و معلمی به تحصیل فلسفه و مطالعهء کتب فلاسفه اختصاص دادم.دو سال طول نکشید که بر تمام رموز و اسرار این علم وقوف یافتم و یک سال دیگر همچنان در مسائل این فن و گفته‏های فلاسفه فکر و غور رسی کردم...».1

ولیک سید محمد حسینی معروف به مرتضی زبیدی(1145-1205)در کتاب«اتحاد السادة المتّقین بشرح احیاء علوم الدّین»آشنایی غزالی را با حکمت‏ به اوائل دوران وی می‏کشاند:روزگاری که اواز زادگاه خویش به نیشابور رفت‏ و در نظامیّهء آن شهر به تحصیل پرداخت(2).البته از سخن غزالی چنین بر نمی‏آید که‏ او پیش از آنکه در بغداد به مطالعهء فلسفه پردازد با آن بیگانه بوده و در این فن‏ استادی ندیده باشد؛ازین رو می‏توان گفتار وی را-با توجّه به قول زبیدی-این‏ چنین توجیه کرد که او آنگاه که در نظامیّه کتب حکمت را خواندن گرفته بودن‏ استاد بوده ولی پیش از آن،در آغاز جوانی نیز چندی به نیشابور،دست اندرکار فلسفه داشته و به حلقه درس دانایان حکمت حاضر می‏آمد است؛چه«...احاطه‏ به رموز و دقایق فلسفه بدون استاد و راهنما که لا اقل اصطلاحات قوم را تفسیر کند. امری فوق العاده است».3متأسفانهء صاحب اتحاف السادة،استاد یا استادان‏ روزگار جوانی غزالی را،در حکمت نامی نمی‏برد،و لیک در مقالات شمس تبریزی‏ استطرادا حکایتی در این خصوص آمده که بس جالب و مغتنم است و ظاهرا تا کنون در شرح احوال خیّام و غزالی بدان اشارتی نرفته است و آن این است:

«...محمد غزالی-رحمة اللّه علیه-اشارات بوعلی را بر عمر خیّام بخواند-او فاضل بود جهت آن طعن زنند در احیاء(-احیاء العلوم)که از آن استنباط کرد -دوبار بخواند گفت فهم نکرد هنوز،سوم بار بخواند و[خیام‏]مطربان و دهل‏ زنان را آواز داد تا چون غزالی از پیش او بیرون آید،بزنند تا مشهور شود که بر او می‏خواند تا فایده دهدش.

آنکس که همی لاف انا الحق می‏زد آن بس که بر این رسن معلق می‏زد»4

\*\*\* باری،ازین پیش آنچه از مناسبات غزالی و خیّام نقل می‏کردند،مباحثه‏ای‏ بود که میان آن دو در باب«نقطهء قطب»رفته بود5و پس ازین می‏توان این‏روایت‏ شمس را نیز در روابط آن دو بزرگ،همراه آن داستان،حکایت کرد.و السلام.

(1)-غزالی‏نامه،ص 325

(2)-اتحاف السادة،ج اول 7 و الحقیقة فی نظر الغزالی،الدکتر سلیمان دنیا،ص 21

(3)-غزالی‏نامه،ص 240

(4)-مقالات شمس تبریزی،به تصحیح احمد خوشنویس،ص 208-207.این‏ حکایت در آثار البلاد زکریای قزوینی(طبع وستنفلد ص 318 و چاپ بیروت ص 475) نیز با تغییراتی ذکر شده است از جمله آنکه به جای«غزالی»در این متن آمده است که: فقیهی نزد خیام حکمت می‏خواند.

(5)-ازین مباحثه در نزهة الارواح شهرزری سخن رفته است.(رک غزالی‏نامه ص‏ 294 و چهار مقالهء عروضی،طبع شادروان دکتر معین ص 312 تعلیمات).